

نقش hoch به همراه صفات در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم به hoch به همراه صفت ها پردازیم.

در واقع در زبان آلمانی بعضی از صفت ها هستند که می شود به آنها با اضافه کردن hoch صفت جدیدتری ساخت ، اما ما از کجا باید درک کنیم که این صفت ها کدام صفت ها هستند؟

قبل از پاسخ به این سوال ، من در درس گذشته گفته بودم دو راه برای بیان (“بیشتر”) از یک چیز وجود دارد ، مثلاً اگر بخواهیم اسم Geld را طوری بیان کنیم که یعنی ما خیلی پول داریم به سر وقت viel میرویم.

پس تا اینجا باید بدانیم که viel همواره با اسامی می آید. Ich habe viel Geld اما برای اینکه بخواهیم مثلاً صفت müde را به طوری بیان کنیم که خیلی خسته هستیم ، آنگاه به سر وقت sehr میرویم. بنابراین اینگونه می شود که Ich bin sehr müde

هرگاه اسم داشته باشیم با viel

هرگاه صفت داشته باشیم با sehr

البته در زبان آلمانی همواره استثناء نیز وجود دارد. اما در ۹۹ درصد به همین شکل است که برایتان بیان کردم.

اما نقش hoch در اینجا چیست؟

در واقع بعضی از صفت ها هستند چنانچه می شود آنها را با sehr افزایش داد ، اما شاید بخواهیم در بالاترین سطح از آنها بیان کنیم، اونوقت که به سر وقت hoch میرویم.

دقت کرده اید در فارسی گفته می شود او باهوش است

Er ist intelligent

او تیزهوش یا باهوش و با استعداد است

اما چنانچه بخواهیم بگوییم او خیلی باهوش است به سر وقت sehr میرویم

Er ist sehr intelligent

او خیلی باهوش یا با استعداد است

حال چنانچه بخواهیم بگوییم که او بیش از اندازه باهوش است ، آنگاه به سر وقت hoch میرویم

Er ist hochintelligent

او بیش از اندازه باهوش یا با استعداد است.

نکته گرامری : هرگاه hoch به صفت اضافه شود آنگاه باید آنها را سرهم بنویسیم

نکته : گاهی هم است که خود صفت شکل ساخته شده ای دارد ، برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید

müde خسته

Ich bin müde

من خسته هستم

Ich bin sehr müde

من خیلی خسته هستم

Ich bin übermüdet

من بیش از اندازه خسته ام

به طوری که از حال رفته ام و رمقی باقی نمانده است

پس خیلی خیلی خسته و کوفته باشیم به سر وقت übermüdet میرویم

در واقع über نیز حجم زیادی از آن صفت را به ما میدهد. صفتی که خودش در زبان آلمان شکل افزایش یافته اش وجود دارد. ولی چنانچه وجود نداشت آنگاه با hoch می توان آنرا بسازیم و بیان کنیم.

نکته : در بیشتر موارد هرگاه بتوانیم در فارسی یک صفت را با بیش از اندازه بیان کنیم ، مثلاً : بیش از اندازه باهوش ، آنگاه می توانیم به سر وقت hoch برویم اما باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که خود آن صفت شکل افزایش یافته دارد یا نه؟ که در مورد müde وجود داشت übermüdet

sehr چنانچه با صفت بیاید ، در فارسی نقش (خیلی) را بازی میکند

hoch چنانچه با صفت ترکیب شود ، در فارسی نقش (بیش از اندازه) را بازی میکند

über چنانچه با صفت ترکیب شده باشد ، نقش (خیلی خیلی و چیزی نزدیک به بیش از اندازه) را بازی میکند.

اما گاهی ما so و zu را نیز داریم ، اینها دیگه چی میگن؟

دقت کرده اید که در فارسی گفته می شود که آن کفش زیادی تنگه و پایم را اذیت میکنه ، اینجا صفت تنگ به همراه زیادی آمده است ، این در تفکر آلمانی به این معنی است که یک چیزی درست نیست یک ایراد اساسی وجود دارد یا یک مشکل بزرگ وجود دارد. برای درک بیشتر به مثال زیر دقت کنید :

آن کفش زیادی تنگ است. (نه تنها زیادی تنگ است بلکه اصلاً مناسب نیست یه ایراد کلی هم به همراه داره)

Die Schuhe sind mir zu klein

آن کفش ها برای من بیش از اندازه کوچک است

که در اینجا کوچک به منظور eng نیز است. یعنی آن کفش یا از جلو یا از کنارها تنگ و کوچک است و مشکل اساسی آن این است که پایم را نیز میزند

اما در فارسی گفته می شود وای اون بچه چقدر کوچولو کوچولو چه ریزه میزه است ، آنوقت در زبان آلمانی به سروقت SO میرویم.

Das Baby ist so klein und so süß

آن بچه یا نوازد چقدر کوچولو کوچولو و چقدر بامزه است.

پس تفاوت ZU و SO در این است که ZU همواره ایراد یا مشکل اساسی نیز به همراه دارد ، مانند مثال بالا که نه تنها کوچک بود بلکه تنگ هم بود و نوک پایم را نیز میزد ، اما SO مقدار کوچک از یک چیز که می تواند جذاب و بامزه نیز باشد. برای مثال :

Das Haus ist so klein

آن خانه خیلی کوچک است (که در اینجا کوچک مثبت و نقلی با حال)

Das Haus ist zu klein

آن خانه خیلی کوچک است (کاملاً منفی و اصلاً هم مناسب نیست ، از نظر ما یک ایراد بزرگ دارد و آن هم کوچکی اش است و مناسب ما هم نیز)

مثال :

Ich bin sehr zufrieden mit Ihrer Arbeit

من خیلی از کار شما راضی هستم

توجه داشته باشیم که zufrieden خودش یک صفت هست و شکل اش به همین صورت است و به اون ZU اضافه نشده است!!!!

zufrieden

راضی ، خوشنود ، خوشحال ، قانع

Die Bergtour ist mir zu anstrengend

آن کوهپیمایی (گردش در کوه) برای من خیلی پر زحمت یا خیلی سخت طاقت فرسا است

پس اگر دقت کنیم باز اینجا zu یعنی نه تنها سخت و طاقت فرسا بود بلکه یک مشکل بزرگ نیز برای من هست که این کوهپیمایی زیادی به روی من فشار آورده است

اما گاهی می شود sehr را نیز با صفتی که با hoch ساخته شده است ترکیب شود. برای مثال :

Sie ist sehr hochmütig

او (مونث) بیش از اندازه و خیلی خیلی زیاد مغرور و متکبر است (از خود راضی هم می توان گفت)

خود hochmütig یعنی پر غرور، بیش از اندازه از خود راضی، حال اگر با sehr نیز بیاید، یعنی خیلی خیلی و بیش از اندازه به طوری که فکرش هم نمی توانی بکنی طرف از خود راضی و مغرور است.

sehr همچنین می تواند با صفتی بیاید که با über ساخته شده است :

Ich bin sehr überlastet

من خسته از کار زیاد هستم

به طوری که تحت فشار کاری فراوان و طاقت فرسا نیز هستم

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Er fährt immer mit dem Auto hochtourig

او (مذکر) همیشه با آن اتومبیل یا آن ماشین بیش از اندازه تند رانندگی میکند

Das ist eine hochkomplizierte Aufgabe

آن یک تمرین بیش از اندازه سخت و دشوار است

بیش از اندازه پیچیده و سردرگم کننده است

Ich bin sehr verschwitzt

من خیلی عرق کرده ام

به طوری که خیس عرق هستم

Morteza ist sehr humorvoll

مرتضی خیلی شوخ طبع یا خیلی خوش مشرب است

Er ist so großzügig

او (مذکر) بسیار بخشنده یا بسیار بزرگووار (بسیار سخاوتمند) است

so کاملاً مثبت و zu کاملاً منفی

Deine Leistung ist so großartig

عملکرد یا نتیجه کاری ات بسیار بی نظیر یا بسیار عالی بود

Du bist einfach zu langsam für diese Arbeit

تو برای اینکار زیادی کند هستی

کاملاً منفی به طوری که به درد اینکار نمیخوری

Die Hose ist zu kurz für mich

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

نه تنها کوتاه است بلکه اصلاً مناسب من هم نیست (خلاصه ایرادش فقط کوتاهش نیست)

که جمله بالا را نیز می توانیم به شکل زیر نیز بیان کنیم

Die Hose ist mir zu kurz

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de